



چه شورش‌ها و نهضت‌هایی در زمان امامت امام هادی(ع) اتفاق افتاد؟

دوره امامت حضرت هادی(ع) که هم‌زمان با حکومت چند خلیفه عباسی بود، دوره‌ای پرتنش و آشوب به‌شمار می‌آمد که در آن قلمرو اسلام صحنه درگیری‌های مختلف و پیدایش آشوب‌ها و نهضت‌های فراوانی بود.

دوره امامت حضرت هادی(ع) که هم‌زمان با حکومت چند خلیفه عباسی بود، دوره‌ای پرتنش و آشوب به‌شمار می‌آمد که در آن قلمرو اسلام صحنه درگیری‌های مختلف و پیدایش آشوب‌ها و نهضت‌های فراوانی بود.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اسلام کوئست، دوره امامت حضرت هادی(ع) که هم‌زمان با حکومت چند خلیفه عباسی بود، دوره‌ای پرتنش و آشوب به‌شمار می‌آمد. به طور کلی درباره این دوران باید گفت که برخوردهای اعتقادی، مناقشه‌های علمی، تبعیض‌های قومی، فشارهای اقتصادی و سیاسی و ...، قلمروی اسلامی را به صحنه درگیری‌های مختلف گروه‌ها و احزاب مبدل ساخت. این جنبش‌ها را از حیث انگیزه دینی یا غیر دینی به دو دسته «آشوب» و «نهضت» می‌توان تقسیم کرد. آشوب‌ها با اهداف قدرت طلبانه و فتنه جویانه انجام می‌گرفت و نهضت‌ها که از سوی علویان به وقوع می‌پیوست، با انگیزه‌های حق‌گرایانه صورت می‌پذیرفت. [۱] این نوشتار نگاهی گذرا به این حرکت‌ها و جنبش‌ها دارد.

الف. آشوب‌ها

۱. حرکت بابک خرم دین

«بابکیه»، فرقه‌ای بودند که از «بابک خرم‌دین» پیروی می‌کردند [۲] و تا اندازه‌ای حرکت آنان نمود دینی و هدف سیاسی داشت و خطرناک‌ترین حرکتی بود که در دوران امام هادی(ع) رخ داد. بابک خودش را به «ابو مسلم خراسانی» مرتبط می‌دانست و ادعا می‌کرد که از نسل دختر او است. [۳] او با سیاستی که داشت، موفق شد همه بخش‌های آذربایجان را به هم پیوند دهد. [۴] معتصم در سال ۲۲۰ هجری قمری به بزرگ‌ترین فرماندهش، «افشین» دستور سرکوبی او را داد. افشین بابک را شکست داد و سرانجام دستگیر کرده نزد معتصم برد و به گونه فجیعی به قتل رسانید. [۵]

۲. حرکت مازیار

هنوز حکومت عباسی از آشوب‌هایی که بابک برانگیخته بود، رهایی نیافته بود که با حرکت فرد ایرانی دیگری روبرو شد. «مازیار» اهل طبرستان و سالار قلعه طبرستان بود. [۶] او وطن خود را عرصه فعالیت‌های انقلابی خصمانه با حکومت قرار داد.

مازیار به اقتضای سیاست، ادعای مسلمانی کرده بود، [۷] و «محمد»، نام گرفت [۸] و در زمان مأمون به استانداری طبرستان و دماوند منصوب و به «سپهبد» نامدار شد. [۹] او در سال ۲۲۴ هجری دست به مخالفت با معتصم زد، و با لشکریان او جنگید. [۱۰] تا این‌که در سال ۲۲۵ هجری به سامرا آمد. [۱۱]

مازیار از دشمنی میان «طاهریان» و «افشین» بهره جست و با افشین، مکاتبه و او را به سرپیچی از فرمان حکومت تشویق کرد تا خطر سرکوب او را از خود دور کند. مازیار به او وعده داد که در این صورت می‌تواند خراسان را که افشین به آن طمع فراوانی داشت، از چنگ حکومت بیرون آورد. [۱۲] ولی بعداً اعتراف کرد که افشین او را به شورش و نافرمانی و گرایش به مجوسیت تحریک کرده است. [۱۳]

خلیفه که از اهداف این شورش آگاه شده بود، به سرکوبی آنها برخاست و مازیار را دستگیر کرد و او را آن قدر تازیانه زد که مُرد. [۱۴]

۳. آشوب در بغداد

بغداد در سال ۲۵۱ هجری طعمه تاخت و تاز معتز و مستعین بر سر قدرت گردید. [۱۵] از این‌رو؛ آشوب‌هایی از سوی برخی انجام گرفت که، ماه‌ها به طول انجامید و گروه بسیاری از مردم کشته و خانه‌هایشان ویران شد. در سال بعد، شورش دیگری علیه «محمد بن عبدالله بن طاهر»، والی بغداد صورت گرفت. [۱۶]

بسیاری حرکت‌ها و جنبش‌های مسلحانه دیگر در اندلس و شهرهای دمشق نیز صورت گرفت که شرح کامل آن در تاریخ آمده است و از وضع نابسامان سیاسی در این دوره از خلافت عباسیان حکایت می‌کند. [۱۷]

پیدایش و گسترش نهضت علویان

در نگاهی کلان، اعتقاد شیعه مبنی بر حقانیت خلافت خاندان پیامبر اکرم(ص)، عامل احیای حرکت انقلابی علویان و شیعیان بر ضد حاکمیت را تشکیل داد و در درجه دوم، این حرکت‌ها، بازتابی روشن از سیاست‌ها و برنامه‌های سرکوب‌گرانه عباسیان بود. روحیه تسلیم‌ناپذیری علویان در برابر ستم از یک سو و فشار بیش از حد عباسیان بر شیعیان و نسل کشی آنها از سوی دیگر، چهره‌های برجسته و ممتاز علوی را بر آن داشت تا برای احقاق حق امامان خود و پایان دادن بر اعمال ننگین دستگاه ظلم، دست به قیام بزنند. سردمداران این قیام‌ها، که خود از نوادگان ائمه اطهار(ع) بودند - به انگیزه براندازی نظام ستم‌پیشه عباسی با شعار «الرّضا من آل محمد(ص)» [۱۸] قیام خود را آغاز کردند. [۱۹]

ب. نهضت‌ها و قیام‌ها

۱. قیام «یحیی بن عمر طالبی»

یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع)، [۲۰] در سال ۲۵۰ هجری قمری در کوفه قیام و ظهور نمود. [۲۱] او در دوران خفقان خلافت متوکل قیام خود را در خراسان آغاز کرد و متوکل، عبدالله بن طاهر، را مأمور سرکوب او کرد. او پس از مدتی دستگیر شد و پس از ضرب و جرح فراوان در زندان «فتح بن خاقان» زندانی گردید. سالیانی بعد، در زمان مستعین عباسی از زندان آزاد شد و به بغداد رفت و دوباره پرچم قیام را با شعار «الرضا من آل محمد(ص)» برافراشت و مردم کوفه را نیز به یاری خود برانگیخت. [۲۲]

امیر بغداد، محمد بن عبدالله بن طاهر، به رویارویی با او برخاست. سرانجام یحیی پس از مقاومت بسیار شکست خورد و به شهادت رسید و دسته‌ای از افراد او اسیر شدند. اسیران را با پای برهنه وارد بغداد کردند و هر کس را که عقب می‌ماند، گردن می‌زدند. در میان اسیران، بزرگانی بودند که از آن جمله، «اسحاق بن جناح» را می‌توان نام برد. سر یحیی را از بدن جدا کردند. مردم با آگاهی از شهادت او، به شدت گریستند. شهادت یحیی موجی از اندوه و سوگ را در میان شیعیان ایجاد کرد و شاعران آزاده‌ای که در آن دوران می‌زیستند، در رثای او اشعار بسیاری سرودند. [۲۳]

۲. قیام «حسن بن زید»

او از نوادگان امام حسن مجتبی(ع) بود. [۲۴] مورخان اسلامی قیام وی را سال ۲۵۰ هجری و در ناحیه طبرستان ضبط کرده‌اند. او توانست در این ناحیه افراد بسیاری را برای پیوستن به قیام خود دعوت کند. قیام او نزدیک به بیست سال طول کشید. [۲۵] او توانست ناحیه طبرستان را در اختیار خود بگیرد و سرزمین‌های دیگری مانند ری را نیز از سلطه عباسیان بیرون آورد. [۲۶]

۳. قیام «حسین بن محمد طالبی»

حسین بن محمد بن حمزه بن عبد الله بن حسین بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب(ع)، [۲۷] در سال ۲۵۱ هجری در کوفه بر ضد حکومت ستم پیشه عباسی قیام کرد که با دوران خلافت مستعین هم زمان بود. [۲۸] خلیفه وقت، «مزاحم بن خاقان» را برای سرکوبی وی گسیل داشت. [۲۹]

جنگ بین آنها در گرفت و حسین شکست خورد و به سوی شهر عقب نشست. مردم در دفاع از این انقلابی ستم ستیز، به سوی مزاحم، سنگ پرتاب کردند. او از این حرکت مردم بسیار خشمگین شد و به افراد خود فرمان داد تا شهر را آتش زنند. آنها در بزرگ شهر و هفت بازار و هزار خانه را به آتش کشیدند و نوامیس را مورد هتک حرمت قرار دادند. زندان‌ها را نیز از علویان آکنده و این گونه قیام حسین بن محمد زید را سرکوب کردند. [۳۰]

۴. قیام «اسماعیل بن یوسف»

اسماعیل بن یوسف بن ابراهیم بن عبد الله بن حسن بن حسن ابن علی بن ابی‌طالب(ع) در سال ۲۵۱ هجری در مکه دست به قیام زد و با امیر مکه (جعفر بن فضل) به مقابله برخاست. او توانست قدرت را در این شهر به دست بگیرد و به خزانه‌داری شهر و نیز آنچه در کعبه نگهداری می‌شد، دست یابد.

اسماعیل بن یوسف پس از قیام خود، حکمران مکه را همراه هوادارانش بیرون راند و بسیاری از آنان را کشت. پس از آن به سوی مدینه لشکر کشید و آنجا را نیز به تصرف خود در آورد و دوباره به مکه بازگشت. شهر مکه در محاصره اقتصادی قرار گرفت تا جایی که مردم از تشنگی و گرسنگی تلف می‌شدند و لشکریان معتز با آنان وارد جنگ شدند که جنگ آنها در روز عرفه بود. هزار و صد حاجی در خون خود غلتیدند و در آن سال، کسی در عرفات توقف نکرد. [۳۱]

- [۱]. ر. ک: هادی منش، ابوالفضل، بررسی قیام‌ها و شورش‌های دوران امام هادی(ع)، مجله مبلغان، شماره ۱۲۹، ص ۱۳ - ۲۴.
- [۲]. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۸۵، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ش؛ سیف الدین آمدی، أبکار الأفكار فی أصول الدین، ج ۵، ص ۶۳، قاهره، دار الکتب، ۱۴۲۳ ق.
- [۳]. ر. ک: دینوری، ابو حنیفه احمد بن داود، الاخبار الطوال، ص ۴۰۲، قم، منشورات الرضی، ۱۳۶۸ ش.
- [۴]. مسعودی، ابو الحسن علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجوهر، ج ۳، ص ۴۴۲، قم، دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- [۵]. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)، ج ۹، ص ۱۳، ۱۴، بیروت، دار التراث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ق؛ تمیمی سمعانی، أبو سعید عبد الکریم بن محمد، الأنساب، ج ۲، ص ۷، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، چاپ اول، ۱۹۶۲ م.
- [۶]. الاخبار الطوال، ص ۴۰۲؛ تاریخ طبری، ج ۹، ص ۸۴.
- [۷]. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۲۱۷، تهران، انتشارات نگاه، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
- [۸]. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبد الله، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۵، بیروت، دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
- [۹]. ابن الفقیه، احمد بن محمد بن اسحاق، البلدان، ص ۵۷۱، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- [۱۰]. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۸۰؛ مسکویه رازی، ابو علی، تجارب الامم، ج ۴، ص ۲۴۳، سروش، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- [۱۱]. ابن اثیر، علی بن محمد، الکامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۵۱۰، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ ق.
- [۱۲]. ر. ک: تاریخ طبری، ج ۹، ص ۸۰، ۸۲.
- [۱۳]. مروج الذهب، ج ۳، ص ۴۷۳.
- [۱۴]. همان، ص ۴۷۳ ۴۷۴؛ یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۴۷۷، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی‌تا.
- [۱۵]. ر. ک: تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۸۲ ۲۸۴؛ ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البداية و النهایة، ج ۱۱، ص ۷، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷ ق.
- [۱۶]. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۵۶.
- [۱۷]. ر. ک: الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۸۰، ۹۰، ۱۶۲ و ۱۸۹.
- [۱۸]. ر. ک: همان، ج ۶، ص ۴۴۲؛ ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۸۱، بیروت، دار الفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.
- [۱۹]. بررسی قیام‌ها و شورش‌های دوران امام هادی(ع)، مجله مبلغان، شماره ۱۲۹، ص ۱۶.
- [۲۰]. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۶۶.
- [۲۱]. الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۱۲۶.
- [۲۲]. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، ص ۵۰۶، بیروت، دار المعرفة، بی‌تا.
- [۲۳]. ر. ک: همان، ص ۵۰۶ ۵۲۱.
- [۲۴]. ابن سعد کاتب واقدی، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۴۳، بیروت، دار الکتب العلمیة، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
- [۲۵]. مروج الذهب، ج ۴، ص ۶۸؛ تجارب الأمم، ج ۴، ص ۳۳۰.
- [۲۶]. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۲۷۵.
- [۲۷]. همان، ص ۳۲۸.
- [۲۸]. مروج الذهب، ج ۴، ص ۶۹.
- [۲۹]. مقاتل الطالبیین، ص ۵۲۱.
- [۳۰]. تاریخ طبری، ج ۹، ص ۳۲۸ ۳۲۹.
- [۳۱]. همان، ص ۳۴۶ ۳۴۷.